

تاریخ فرهنگ ایران زمین

خاستگاه سامانیان



پژوهشگر: حشمت‌الله عزیزی فوق لیسانس تاریخ

دولت سامانی سومین دولت مقتدر و ملی ایران دوره اسلامی است که در مدتی کوتاه ماوراء النهر (فرا رود)، سیستان و خراسان را تا حدودی زیر نگین آورد. جد این سلسله سامان خدایه^۱ در عهد امویان بر بلخ تسلط داشت. سامان خدایه در آغاز امر آیین زرتشتی داشت و سپس قبول اسلام کرد. سامان خدایه به سال (۱۱۶ هـ ق) بر اثر انقلابی که در بلخ رخ داد به حاکم بنی امیه اسد بن عبدالله القدی در خراسان پناه برد و اسد با وی نیکویی کرد و او را به امارت بلخ بازگردانید و از این روی سامان خدایه به اسد بن عبدالله ارادت پیدا کرد و پس از فوت اسد به یاد او یکی از فرزندان خود را به نام وی موسوم کرد. فرزندان اسد بن سامان خدایه در اواخر عهد هارون بر اثر کمکی که به درخواست مامون در رفع فتنه‌ی خراسان کردند شهرت و اعتباری یافتند و در عهد خلافت مامون به فرمان او هر یک به حکومت یکی از نواحی خراسان رسیدند چنان‌که نوع بن اسد بر سمرقند ولایت یافت (۲۰۴ هـ) و احمد بن اسد بر فرغانه و یحیی بن اسد بر چاچ و استروسنه و الیاس بن اسد بر هرات^۲. بعد از وفات نوح سمرقند به فرمانروایی برادر او احمد ضمیمه شد و چون احمد درگذشت از میان هفت پسر او نصر جانشین وی گشت (۲۵۰ هـ) و در سال ۲۶۶ به فرمان معتضد عباسی امارت همه‌ی فرارود بر عهده او نهاده شد.^۳ در این اوان یعقوب - لیث در خراسان و سیستان ظهور کرده و بر

حدود شرقی ایران را از خطر استیلای طوایف زردپوست رهایی بخشید و بدین ترتیب در سال ۲۹۵ هـ ق که وفات یافت حکومتی مستقل و نیرومند به وجود آورده بود که بر قسمت بزرگی از ایران تسلط داشت و جانشینان اسماعیل تا سال ۳۸۹ هـ ق بر خراسان و فرارود تا کرمان و ری حکومت کردند.

خواجه رشید الدین فضل الله همدانی که مدت حکمروایی سامانیان را صد و دو سال و شش ماه و دو روزه ذکر کرده، تعداد امرای سامانی را که نه نفر بودند این گونه به نظم کشیده است:^۴

نه کس بودند از آل سامان

دایم به ولایت خراسان مشهور

اسمعیلی و احمدی و نصری

دو نوح دو عبدالملک و دو منصور

اثر آشوب و تغییر حکومت خراسان وضع بخارا آشفته شده بود. به همین سبب فقیه بزرگ بخارا، ابو عبدالله بن ابوحفص از نصر درخواست کرد تا حاکمی برای آن شهر معین کند و او برادر خود اسماعیل را که مردی مدبر و شجاع بود به این سمت برگزید.^۴ بعد از وفات نصر در سال ۲۷۹ اسماعیل صاحب همه‌ی فرارود گردید و از معتضد منشور امارت گرفت و بعد از آن که در جنگ با عمر و لیث فاتح شد (۲۸۷ هـ ق) خراسان نیز ضمیمه‌ی حکومت او گشت و کار حکومت سامانی از این هنگام بالا گرفت. در جنگ‌هایی که اسماعیل بعد از آن با محمد بن زید که در طبرستان بر خلیفه طغیان کرده و حکومت مستقل پدید آورده و به خراسان چشم دوخته بود، کرد تازی و قزوین پیش راند و در جنگ دیگری نیز که با ترکان کرد



اهمیت رویکرد تاریخی به دوره سامانیان
در این نوشته برآنیم که نگاهی بیاندازیم به اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حکومت سامانیان - احیاگران فرهنگ و زبان ایرانی

بدون پرداختن به مسائل سیاسی و نظامی و زد و خوردهای معمول در تاریخ و جدای از تاریخ‌هایی، که بیشتر شامل لشکرکشی‌ها، خون‌ریزی‌ها و تعریف و تمجیدهای بی‌جاست که گاهی آن قدر مورد توجه قرار می‌گیرد که حتی مورخ را از پرداختن به مسایل اساسی و اصلی منحرف می‌کند. در نظر است تا دوره حکومت سامانیان به نقد کشیده شود.

بحث بر سر این که اسماعیل سامانی که بود و از کجا آمد و این که آیا در سلسله نسب به بهرام چوبین می‌رسد یا خیر،^۷ با این که این نیز ساخته و پرداخته‌ی مورخین درباری است، همه و همه دعوای پایان نیافتنی بر نعش و لاش تاریخ است که نه تنها گرهی از مشکلات اجتماعی ما باز نکرده بلکه بر گمراهی تاریخ و منحرف کردن مورخ از رسالت اصلی‌اش انجامیده و خواننده را نیز گیج و سرگردان در ناآگاهی نگاه داشته است.

یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخ ایران به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و به ویژه فرهنگی بدون شک **دوران حکمروایی سامانیان** می‌باشد. حکومت سامانیان به عنوان یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین حکومت‌های ملی ایرانی که به عقیده بعضی از مورخین می‌توان آن را آخرین

نمونه از حکومت ساسانیان دانست، بیش‌ترین نقش را در شکل‌گیری رنسانس ایرانی - اسلامی در قرن چهارم (ه. ق.) داشته است. مسایلی چون **امنیت، عدالت نسبی، حفظ سنت‌های ملی، ساختار اداری منسجم، آزادی افکار و عقاید، اتحاد عناصر ناهمگون جامعه (ایرانی، ترک، عرب)** رشد چشم‌گیر تجارت و بازرگانی و بالاخره **شکوفایی علم و دانش و احیای زبان پارسی از دستاوردهای حکومت سامانیان** است.

مقولاتی که امروزه نیز پس از گذشت چندین قرن هنوز برای این ملت تازگی دارد و به صورت آرزویی دست نیافتنی در آمده است. عصر سامانیان را مقایسه کنید با دوره‌های بعد از آن. هر از چند گاه و گروهی شناخته شده و نفع پرست، صرفاً به طمع حفظ منافع آتی و آتی خود در گذرگاه‌های بحرانی تاریخ این سرزمین شعارهای عدالت اجتماعی و منافع ملی را مطرح می‌کنند تا با تحریک احساسات ناسیونالیستی مردم، گره از کار خود

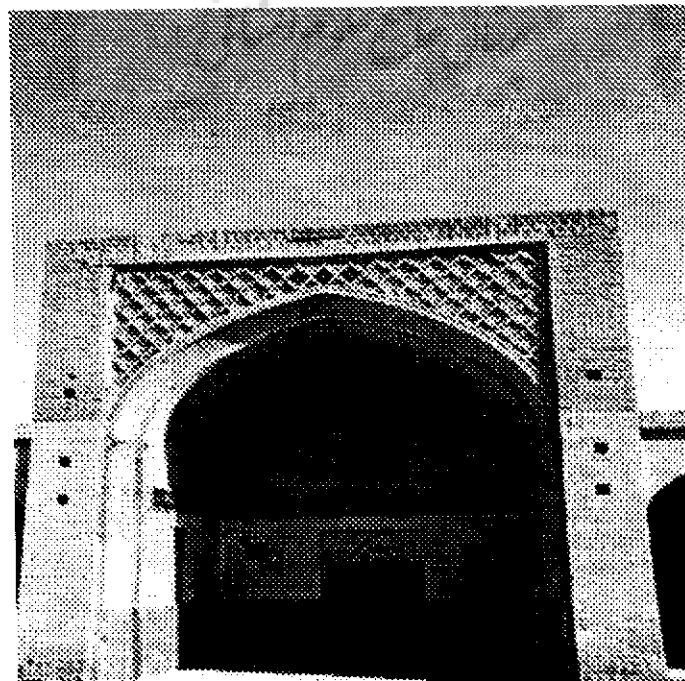
بگشایند. مردمی که از گذشته‌ی پر بار و ارزشمند تاریخی خود بی‌خبرند و از تحولات جهانی عصر خویش نیز ناآگاه، چه گونه می‌توانند تصمیم درست و منطقی بگیرند، حق این مردم نیست در چنین اوضاع نابه‌سامان اجتماعی به بیگانه پناه ببرند و از بیگانه تمنای کرامت داشته باشند و به دروزگی رسیدن به دموکراسی به استقبال بیگانه‌گان بشتابند!....

به جرأت می‌توان گفت که فقط در دوره کوتاه تاریخ سامانیان به اندازه تمام دنیای دوران قرون وسطی، شاعر، نویسنده، ادیب، سیاست‌مدار، حکیم، فیلسوف، ریاضی‌دان، منجم، پزشک و دانشمند داشته‌ایم. کدام شخص حقیقی، حقوقی، دولت و یا حکومتی باید این حقیقت را با مردم در میان بگذارد! چه اتفاقی افتاد که جهان گشایی اندیشمندان، خردورزان و عالمانه‌ی شهروندان ایران زمین به پایان رسید و یا نادیده گرفته شد؟

شگفت این که در دوره سامانیان به مردم خردمند، به شاعران، نویسندگان و دانشمندان

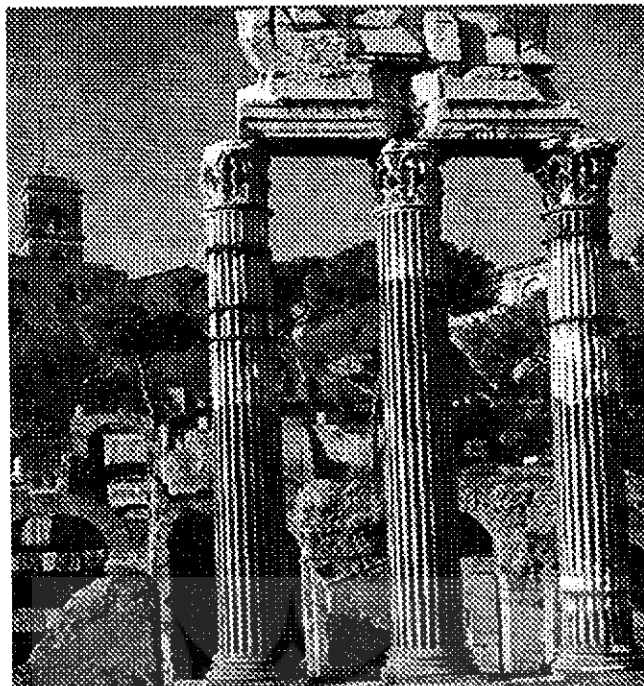
اهمیت می‌دادند و هیچ‌گونه گزینشی از افراد وابسته یا غیر وابسته، خودی و یا ناخودی در جامعه وجود نداشت و مردم عادی همانند ثروتمندان و اشراف از امتیازهای اجتماعی به صورت برابر برخوردار بودند.

در دوران حکومت سامانیان اکثر فقها، علما، دانشمندان و وزرای سامانی از طبقات متوسط و پایین جامعه هستند و



خردمندان در پدید آوردن آن نقش اساسی به عهده داشت.

نگاهی به موقعیت جغرافیایی حکومت سامانیان و چه‌گونگی استفاده بهینه از آن در جهت توسعه و رشد تجارت و بازرگانی از طریق احیای جاده قدیمی و سنتی ابریشم که تجارت و بازرگانی را از چین و ترکستان تا سواحل خلیج فارس و عراق و حجاز میسر می‌کرد، وجود سیاستمداران و وزراء امرای کارآمد و کاردان در این دوره و حمایت و حفظ سنت‌ها و رسوم ایرانی و تلاش در احیای آن و تلفیق آن با عناصر و آداب اسلامی با توجه به رشد



عوامل به تنهایی قادر به کاهش و یا افزایش ظرفیت‌های علمی و فرهنگی ما نبوده‌اند.

تجربه نیز به اثبات رسانده که هرگاه با این سه فرهنگ و یا بهتر بگوییم دو مقوله‌ی ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی کنار آمده‌ایم، بیش‌ترین منافع اجتماعی نصیب ما شده است. بنابراین می‌توان گفت که سامانیان نیز به خوبی به این امر واقف بودند. و در به کار بستن آن سعی و تلاش می‌کردند. توجه به ایرانی بودن و حفظ سنن کهن فرهنگی ایران دز کنار فرهنگ اصیل و رشید اسلامی و اخذ نکات مثبت و مفید دنیای پیرامون^۹ آن عصر رمز موفقیت سامانیان است.

وجود مشاهیر ارجمندی چون عتبی، بلعمی، رودکی، فردوسی، فارابی، ابن سینا، بیرونی، رازی، خوارزمی و بسیاری دیگر که با خلق آثار بدیع خود نه تنها فرهنگ ایرانی اسلامی و دنیای اسلام، بلکه فرهنگ و تمدن جهانی را بارور ساختند، پرورده شرایط مطلوبی بودند که حکومت سامانی با اتخاذ تدابیر

تقریباً تمام افراد جامعه به طور یکسان به علم و دانش دست‌رسی داشته‌اند. تنها در شهری چون نیشابور هشت کتاب‌خانه وجود داشت. شهرهای بزرگی مانند ری و بخارا و سمرقند که مراکز حکومتی بودند، نمونه‌ی کاملی از شهرهای پیشرفته‌ی زمان خود محسوب شده‌اند. ری که در دوره غزنویان کتاب‌خانه‌ی آن به آتش کشیده شد، و یا مراکز بزرگ علمی دیگر که مورد هجوم اندیشه ستیزان قرار گرفت همه بیان‌گر رشد و گسترش علم و دانش در سراسر ایران است.^۸

به راستی بستری که موجب این تحول و شکوفایی شد، چه بود؟ و چه عواملی دست به دست هم دادند تا گوشه‌ای از رنسانس ایران در قرن چهارم توسط سامانیان به وجود آمد؟

از آن جا که ایران در طول تاریخ بعد از اسلام، همواره از سه فرهنگ ایرانی، عربی و غربی متأثر بوده و با آن‌ها رشد کرده است می‌توان گفت، بهترین دوران بالندگی فکری و فرهنگی ما در تاریخ ایران دورانی بوده که از تلفیق معقول این سه فرهنگ به وجود آمده است. مساله‌ای که تقریباً در طول تاریخ ایران به ویژه از دوران قاجار به بعد تا امروز همواره مورد کشمکش و نزاع گروه‌های مختلف بوده و هست. گروهی عامل عقب افتادگی ایران را مساله‌ی هجوم عرب‌ها و فرهنگ اسلام عنوان کرده‌اند، عده‌ای غرب را مقصر دانسته‌اند و دسته‌ای نیز مساله‌ی ملی‌گرایی و باستان‌گرایی را موجب بدبختی مملکت ما دانسته‌اند. ولی حقیقت چیز دیگری است. بدون تردید هیچ یک از این



حکومت‌ها و دوره‌های درخشانی چون دوره سامانیان می‌توان پی برد.

لذا **نگاهی** عمیق و از سر درد و دل سوزی به وضعیت جامعه‌ی اسلامی امروزان و مقایسه‌ی آن با دستاوردهای جامعه‌ی ده قرن پیش سامانیان خالی از عبرت نبوده و بدون شک دل هر ایرانی وطن پرست را به درد خواهد آورد.

آن زمینی که بر آن گریه‌ی خونین زده‌ام اشک من در دل آن لعل گران خواهد شد

اوضاع اجتماعی در عصر سامانیان با پرداختن به وضعیت طبقات مختلف

جامعه می‌توان به اوضاع اجتماعی دوره سامانی پی برد. چرا که در منابع موجود متأسفانه کم‌تر به مسائل اجتماعی توجه شده است. مهم‌ترین طبقات جامعه‌ی سامانی عبارتند از: ۱- طبقه‌ی **دهقان‌ها** ۲- طبقه‌ی **دیوانیان** (دبیران) ۳- طبقه‌ی **تجار و بازرگانان** ۴- طبقه‌ی **نظامیان** ۵- طبقه‌ی **رعایا**

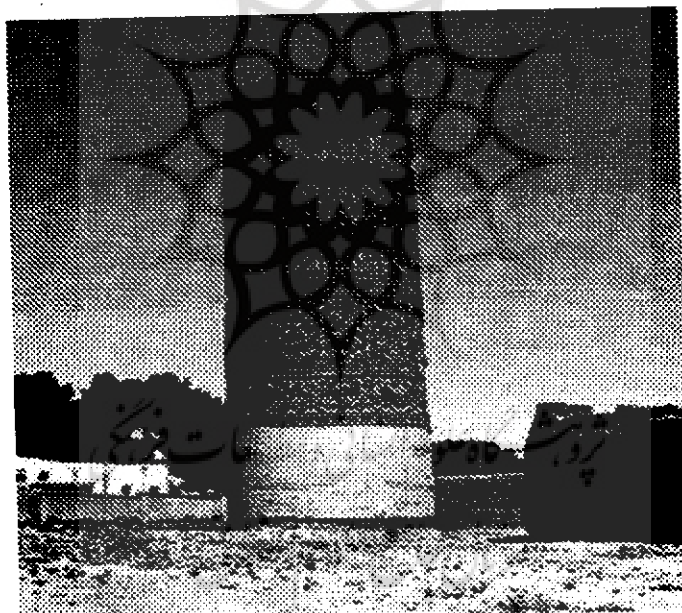
دهقانان به عنوان اصیل‌ترین طبقه‌ی ایرانی به جای مانده از عصر ساسانیان، مهم‌ترین طبقه‌ی اجتماعی

خراسان و ماورالنهر در زمان به قدرت رسیدن سامانیان بودند. این طبقه قبل از اسلام نیز در فرا رود اهمیت و اعتباری ویژه داشتند.

پس از ظهور اسلام در ماورالنهر دهقانان با مصلحت‌گرایی و روشن‌بینی خاص، خود را به فاتحان مسلمان نزدیک کرده و از این راه موقعیت و مقام خویش را حفظ کردند. از سوی دیگر مسلمانان نیز در فرارود از خصومت دیرینه‌ای که بین فرمانروایان شهرهای مختلف (دهقانان بزرگ ناحیه)

وجود داشت استفاده کرده، پیروزی‌های چشم‌گیری به دست آوردند.^{۱۱}

دهقانان در این زمان مانند دوران قبل از اسلام املاک وسیعی در اختیار داشتند و درکوشک‌هایی در اطراف شهرها زندگی می‌کردند. در اوایل عهد سامانیان قدرت دهقانان و تمایل آنها به حفظ قدرت محلی خود از ایجاد دولتی متحد و متمرکز در فرارود جلوگیری می‌کرد.^{۱۲} اما امیراسماعیل سامانی با سازمان دادن سپاهی دایمی که هسته‌ی مرکزی آن را غلامان ترک تشکیل می‌دادند بر قدرت منطقه‌ای و به ویژه قدرت



نظامی دهقانان ضربه‌ای کاری وارد کرد و آن‌ها را به اطاعت در برابر حکومت مرکزی وادار نمود. با این حال، این طبقه هم‌چنان در ماورالنهر از لحاظ اجتماعی شاخص بود و سامانیان از طریق رابطه‌ی دست‌نشانده‌گی، با آنان برخوردی مسالمت‌آمیز داشتند.^{۱۳}

از نیمه‌های دوم قرن چهارم هجری شاهد انحطاط طبقه دهقانان هستیم که در واقع ستون فقرات جامعه‌ی بخارا محسوب می‌شدند. این دوره به مبارزه دولت سامانی با تمایلات گریز از مرکز دهقانان خراسان

گذشت. دولت مرکزی کوشید تا در مقابل دهقانان و سپاهیان ایشان، غلامان ترک و مدعیان نظامی جدید را که از سران غلامان پدید آمده بودند علم کند، که این سیاست نیز با شکست مواجه شد. چرا که آنها نیز پس از دریافت امتیازات اجتماعی و حکومتی همان روش دهقانان را در پیش می‌گرفتند.

دومین طبقه‌ی مهم جامعه سامانی **تجار و بازرگانان** بودند. آنها با استفاده از امنیت و آسایشی که در قلمرو حکومت سامانیان ایجاد شده بود موفق به گسترش داد و ستد با

چین، اروپای شرقی، سرزمین‌های جنوب جیحون و نیز تبادل کالا به صحرائشینان عرب شدند. آنها با کسب درآمد سرشار به خرید املاک کشاورزی روی آوردند و به این ترتیب تجار زمین‌دار در برابر زمین‌داران سنتی قد علم کردند. از جمله عواملی که نشان دهنده رونق و شکوفایی اقتصادی - اجتماعی منطقه یا مناطقی که یک سلسله در آن حکومت می‌کنند، می‌باشد، وجود روستاها

و شهرهای آباد است. شهرهای سامانی نمونه‌ی کاملی از شهرهای اسلامی بودند که از سه قسمت کهن دژ، شهرستان و ربض تشکیل می‌شد.

بخارا در آن روز به عنوان پایتخت سامانیان بود. لذا می‌بایست که با شکوه‌ترین شهر منطقه باشد، ولی در کنار آن به ده‌ها روستا و شهر دیگر نیز توجه می‌شده است.

ادامه دارد.



حکومت‌ها و دوره‌های درخشانی چون دوره سامانیان می‌توان پی برد.

لذا نگاهی عمیق و از سر درد و دل سوزی به وضعیت جامعه‌ی اسلامی امروزان و مقایسه‌ی آن با دستاوردهای جامعه‌ی ده قرن پیش سامانیان خالی از عبرت نبوده و بدون شک دل هر ایرانی وطن پرست را به درد خواهد آورد.

آن زمینی که بر آن گریه‌ی خونین زده‌ام اشک من در دل آن لعل گران خواهد شد

اوضاع اجتماعی در عصر سامانیان با پرداختن به وضعیت طبقات مختلف

جامعه می‌توان به اوضاع اجتماعی دوره سامانی پی برد. چرا که در منابع موجود متأسفانه کم‌تر به مسائل اجتماعی توجه شده است. مهم‌ترین طبقات جامعه‌ی سامانی عبارتند از:

- ۱- طبقه‌ی دهقان‌ها
- ۲- طبقه‌ی دیوانیان (دبیران)
- ۳- طبقه‌ی تجار و بازرگانان
- ۴- طبقه‌ی نظامیان
- ۵- طبقه‌ی رعایا

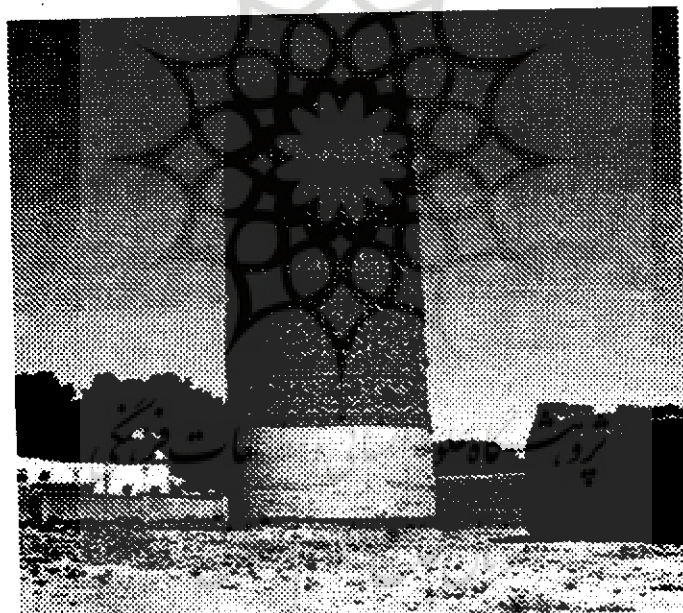
دهقانان به عنوان اصیل‌ترین طبقه‌ی ایرانی به جای مانده از عصر ساسانیان، مهم‌ترین طبقه‌ی اجتماعی

خراسان و ماورالنهر در زمان به قدرت رسیدن سامانیان بودند. این طبقه قبل از اسلام نیز در فرا رود اهمیت و اعتباری ویژه داشتند.

پس از ظهور اسلام در ماورالنهر دهقانان با مصلحت‌گرایی و روشن‌بینی خاص، خود را به فاتحان مسلمان نزدیک کرده و از این راه موقعیت و مقام خویش را حفظ کردند. از سوی دیگر مسلمانان نیز در فرارود از خصومت دیرینه‌ای که بین فرمانروایان شهرهای مختلف (دهقانان بزرگ ناحیه)

وجود داشت استفاده کرده، پیروزی‌های چشم‌گیری به دست آوردند.^{۱۱}

دهقانان در این زمان مانند دوران قبل از اسلام املاک وسیعی در اختیار داشتند و درکوشک‌هایی در اطراف شهرها زندگی می‌کردند. در اوایل عهد سامانیان قدرت دهقانان و تمایل آنها به حفظ قدرت محلی خود از ایجاد دولتی متحد و متمرکز در فرارود جلوگیری می‌کرد.^{۱۲} اما امیراسماعیل سامانی با سازمان دادن سپاهی دائمی که هسته‌ی مرکزی آن را غلامان ترک تشکیل می‌دادند بر قدرت منطقه‌ای و به ویژه قدرت



نظامی دهقانان ضربه‌ای کاری وارد کرد و آن‌ها را به اطاعت در برابر حکومت مرکزی وادار نمود. با این حال، این طبقه هم‌چنان در ماورالنهر از لحاظ اجتماعی شاخص بود و سامانیان از طریق رابطه‌ی دست‌نشانده‌گی، با آنان برخوردی مسالمت‌آمیز داشتند.^{۱۳}

از نیمه‌های دوم قرن چهارم هجری شاهد انحطاط طبقه دهقانان هستیم که در واقع ستون فقرات جامعه‌ی بخارا محسوب می‌شدند. این دوره به مبارزه دولت سامانی با تمایلات گریز از مرکز دهقانان خراسان

گذشت. دولت مرکزی کوشید تا در مقابل دهقانان و سپاهیان ایشان، غلامان ترک و مدعیان نظامی جدید را که از سران غلامان پدید آمده بودند علم کند، که این سیاست نیز با شکست مواجه شد. چرا که آنها نیز پس از دریافت امتیازات اجتماعی و حکومتی همان روش دهقانان را در پیش می‌گرفتند.

دومین طبقه‌ی مهم جامعه سامانی تجار و بازرگانان بودند. آنها با استفاده از امنیت و آسایشی که در قلمرو حکومت سامانیان ایجاد شده بود موفق به گسترش داد و ستد با

چین، اروپای شرقی، سرزمین‌های جنوب جیحون و نیز تبادل کالا به صحرائشینان عرب شدند. آنها با کسب درآمد سرشار به خرید املاک کشاورزی روی آوردند و به این ترتیب تجار زمین‌دار در برابر زمین‌داران سنتی قد علم کردند. از جمله عواملی که نشان دهنده رونق و شکوفایی اقتصادی - اجتماعی منطقه یا مناطقی که یک سلسله در آن حکومت می‌کنند، می‌باشد، وجود روستاها

و شهرهای آباد است. شهرهای سامانی نمونه‌ی کاملی از شهرهای اسلامی بودند که از سه قسمت کهن دژ، شهرستان و ربض تشکیل می‌شد.

بخارا در آن روز به عنوان پایتخت سامانیان بود. لذا می‌بایست که با شکوه‌ترین شهر منطقه باشد، ولی در کنار آن به ده‌ها روستا و شهر دیگر نیز توجه می‌شده است.

ادامه دارد.